

سرمقاله

ضرورت بازتعریف سیاست‌های حمایتی سینما در برزخ انتظار



امیر افشارفتوحی

دبیر تحریریه

سینمای ایران این روزها در وضعیتی قرار گرفته که شاید بتوان آن را «حیات نیمه‌فعال» در یک فضای مبهم، توصیف کرد؛ نه چرخه تولید واکران متوقف شده و نه نشانه‌های روشن از بازگشت رونق و ثبات در گیشه دیده می‌شود. این وضعیت بیش از آنکه صرفاً یک مسئله صنفی یا اقتصادی باشد، بازتابی از شرایط عمومی جامعه است. سینما در خلا شکل نمی‌گیرد؛ اقتصاد، سیاست، روان اجتماعی و میزان امید به آینده، همگی بر رفتار مخاطب و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارند.

نخستین نشانه چنین شرایطی معمولاً در کاهش ریسک‌پذیری نمایان می‌شود. سرمایه‌گذار محتاط‌تر می‌شود، تهیه‌کننده برای آغاز پروژه یا زمان‌بندی اکران تردید می‌کند و مخاطب نیز هزینه‌های فرهنگی را در اولویت‌های پایین‌تر قرار می‌دهد. نتیجه این روند، تضعیف تدریجی اکوسیستم سینماست؛ چرخه‌ای که از تولید و پخش تا تبلیغات، سالن‌داری و صنایع وابسته را در برمی‌گیرد.

اما بحران سینما فقط در آمار فروش خلاصه نمی‌شود. سینما بخشی از زیرساخت فرهنگی جامعه است؛ فضایی برای بازماندگی تجربه جمعی، گفت‌وگوی اجتماعی و تولید امید. هرگاه این فضا دچار رکود شود، پیامد آن تنها کاهش فروش بلیت نیست، بلکه بخشی از سرمایه فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز آسیب می‌بیند.

شرایط اقتصادی، نااطمینانی نسبت به آینده، تغییر سبک زندگی و افزایش هزینه‌های تفریح و فرهنگ، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری وضعیت فعلی هستند. در چنین فضایی، طبیعی است که سینما به عنوان یک کالای فرهنگی در اولویت‌های پایین‌تر قرار گیرد. با این حال، تداوم این وضعیت می‌تواند یک رکود مقطعی را به بحرانی ساختاری تبدیل کند.

نکته قابل توجه این است که سینمای ایران پیش از این نیز دوره‌های دشواری را پشت سر گذاشته است؛ از رکودهای اقتصادی گرفته تا بحران‌های اجتماعی و تغییرات گسترده در الگوی مصرف فرهنگی. با این حال، آنچه شرایط امروز را متفاوت می‌کند، هم‌زمانی چند عامل تأثیرگذار است. کاهش قدرت خرید، گسترش پلتفرم‌های نمایش خانگی، تغییر عادت‌های مخاطبان و نااطمینانی نسبت به آینده، همگی به صورت هم‌زمان بر سینما اثر گذاشته‌اند. همین هم‌زمانی باعث شده مسئله امروز تنها یک افت مقطعی در فروش نباشد، بلکه به دغدغه‌ای دربارۀ پایداری و آینده این صنعت فرهنگی تبدیل شود. در چنین شرایطی، نقش سیاست‌گذاری فرهنگی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که در دوره‌های بحران، صرف‌اتکا به سازوکار بازار برای حفظ پویایی سینما کافی نیست. آنچه اهمیت دارد، طراحی سیاست‌هایی است که امکان ادامه جریان تولید، نمایش و مصرف فرهنگی را حتی در شرایط نامطمئن فراهم کند.

نخستین گام، حمایت هدفمند از اکران است. حمایت‌های یکسان و کلی معمولاً تأثیر ماندگاری ندارند. در مقابل، سیاست‌هایی که بر مبنای تحلیل دقیق وضعیت فروش، شرایط سالن‌ها و میزان ریسک طراحی شوند، می‌توانند به حفظ تعادل در بازار سینما کمک کنند و فشار را از بخش‌های آسیب‌پذیرتر کاهش دهند. راهکار دوم، تنوع‌بخشی به شیوه‌های نمایش است. تجربه جهانی نشان داده که ترکیب اکران سینمایی با پلتفرم‌های آنلاین، نمایش‌های رویدادی و مدل‌های ترکیبی، می‌تواند هم‌دامنه مخاطبان را گسترش دهد و هم ریسک اقتصادی را کاهش دهد. در دورانی که الگوی مصرف فرهنگی تغییر کرده، پایبندی به یک مدل ثابت نمایش نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جدید باشد.

سومین مسئله، بازتعریف نقش رسانه‌های عمومی است. در بسیاری از کشورها، رسانه عمومی بخشی از زنجیره اقتصاد فرهنگ محسوب می‌شود و نقشی فراتر از اطلاع‌رسانی صرف دارد. معرفی آثار، ایجاد گفت‌وگو پیرامون محصولات فرهنگی و حمایت تبلیغاتی از تولیدات داخلی، بخشی از وظایف چنین رسانه‌هایی است. اما در ایران هنوز فاصله قابل توجهی میان ظرفیت رسانه ملی و نقش واقعی آن در اقتصاد سینما وجود دارد. این فاصله نه تنها به سینما آسیب می‌زند، بلکه رسانه را نیز از ایفای یکی از مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی خود دور می‌کند.

راهکار چهارم، توجه جدی به مطالعات مخاطب است. سیاست‌گذاری فرهنگی بدون شناخت دقیق مخاطب، اغلب بر پایه حدس و گمان شکل می‌گیرد. در حالی که امروز ابزارهای متعددی برای تحلیل رفتار مخاطبان و الگوهای مصرف فرهنگی وجود دارد. استفاده از این داده‌ها می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و اثربخش‌تر منجر شود. در کنار همه این موارد، نباید از نقش اعتماد عمومی غافل شد. رونق سینما زمانی امکان‌پذیر است که مخاطب حضور در سالن را تجربه‌ای ارزشمند و قابل اتکا بداند. این اعتماد تنها به کیفیت فیلم‌ها وابسته نیست، بلکه با ثبات اقتصادی، کیفیت خدمات و فضای عمومی جامعه نیز ارتباط مستقیم دارد.

در نهایت باید پذیرفت که سینما صرفاً یک صنعت نیست؛ بخشی از حافظه جمعی و حیات فرهنگی جامعه است. آسیب دیدن آن فقط به معنای رکود یک بازار اقتصادی نیست، بلکه به معنای محدود شدن فضایی برای گفت‌وگو، همدلی و تجربه مشترک است. از این رو، احیای سینما را باید ضرورتی فرهنگی و اجتماعی دانست؛ ضرورتی که تحقق آن نیازمند سیاست‌گذاری دقیق، حمایت هوشمند و نگاه بلندمدت است. پیش از آنکه تعلیق امروز به واقعیتی پایدار تبدیل شود.

دزدی عاشقانه تا پایان خرداد ادامه دارد

سریال «دزدی عاشقانه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مهدی حسینی در حال فیلمبرداری است و تا پایان خرداد این کار ادامه خواهد داشت.

«دزدی عاشقانه» عنوان یک مجموعه جدید نمایش خانگی است که در ۱۱ قسمت در دست تولید قرار دارد و علیرضا نخعی و حامد پوراسفندیانی نویسنده این سریال هستند و حمزه صالحی نیز به عنوان پیشکشسوت مشاور پروژه است.

بیژن بنفشه‌خواه، مجید صالحی، نعیمه نظام‌دوست، نیوشا ضیغمی و بهافرید غفاریان از بازیگرانی هستند که در سریال «دزدی عاشقانه» ایفای نقش می‌کنند. در کنار این بازیگران حضور سام درخشانی، نادر سلیمانی و آناهیتا درگاهی نیز جلوی دوربین این مجموعه توسط مهدی حسینی تأیید شده است.



ایرنا

فراخوان پانزدهمین جشنواره فیلم ۱۰۰ منتشر شد

فراخوان پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ با محوریت سه بخش اصلی «نبرد برای آینده»، «نبرد برای کودکان جهان» و «نبرد برای وطن»، منتشر شد.

آثار متقاضی حضور در سه بخش اصلی این جشنواره باید در قالب فیلم کوتاه و با مدت‌زمان حداکثر ۱۰۰ دقیقه تولید شده باشند. البته در بخش «نبرد برای وطن»، فیلم‌هایی با مدت‌زمان تا ۳۰۰ دقیقه نیز امکان شرکت خواهند داشت.

بر اساس این فراخوان، مهلت ارسال آثار تا پایان روز دهم مرداد تعیین شده و علاقه‌مندان برای اطلاع از جزئیات بیشتر به سایت جشنواره مراجعه کنند. پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ به دبیری محدثه پیرهادی در شهریور ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.



صباخبر

گفت‌وگو با عقیل جماعتی، کارگردان مستند «خشت و خون»

جنگ را ثبت کرده‌ایم اما هنوز روایت نکرده‌ایم

عقیل جماعتی، کارگردان مستند «خشت و خون» درباره ایده اولیه این مستند توضیح داد: فیلم حول محور جزیره خارک و آدم‌هایی می‌چرخد که در آن شرایط سخت، در جزیره ماندند. آنچه برای ما اهمیت دارد، ثبت زندگی روزمره آدم‌هایی است که در دل بحران زندگی می‌کنند؛ مردمی که زیر سایه جنگ، همچنان جریان عادی زندگی‌شان را حفظ کردند.

این مستندساز با اشاره به چالش‌های تولید در فضای جنگ گفت: کار برای مستندسازها در این شرایط بسیار سخت است. فقط بحث خطر جانی مطرح نیست؛ مسئله مهم‌تر، دشواری دریافت مجوز، محدودیت‌های تصویربرداری و حساسیت‌های امنیتی است؛ به‌خصوص در جزیره خارک که تقریباً هیچ اجازه‌ای برای ورود دوربین صادر نمی‌شد و شرایط بسیار ویژه‌ای برای تصویربرداری وجود داشت.

جماعتی افزود: امروز، به دلیل مسائل سایبری و نگرانی‌های امنیتی، دوربین گاهی مثل یک سلاح دیده می‌شود. شاید در جنگ‌های گذشته چنین حساسیتی وجود نداشت، اما امروز شرایط کاملاً متفاوت است و همین مسئله باعث شده است که ثبت تصویر از جنگ دشوارتر شود. این مستندساز درباره وضعیت آثار مستند جنگی در ماه‌های اخیر گفت: در این مدت مستندهای زیادی درباره جنگ ساخته شده است، اما اغلب آن‌ها شبیه گزارش‌های تصویری هستند و کمتر شاهد مستندهایی هستیم که درام، روایت و ساختار سینمایی قدرتمندی داشته باشند.

او ادامه داد: بیشتر آثاری که امروز می‌بینیم، حول تصاویر خیابانی و واکنش مردم شکل گرفته‌اند و هنوز مستند جنگی شاخص و قدرتمندی که بتواند تأثیر عمیقی بگذارد، دیده نشده است. البته ممکن

است بسیاری از تصاویر امروز، بعدها وارد آرشیو شوند و در آینده مستندسازان بتوانند با استفاده از آن‌ها آثار مهم‌تری بسازند. جماعتی درباره وظیفه مستندساز در روزهای جنگ گفت: شاید امروز مهم‌ترین مسئولیت مستندساز، ثبت تصویر باشد. ما الان در دل یک موقعیت جنگی زندگی می‌کنیم و این تصاویر باید ثبت شوند، حتی اگر فعلاً تبدیل به فیلم نهایی نشوند. بسیاری از مستندهای مهم جنگی که امروز می‌بینیم، حاصل آرشیوهای هستند که همان زمان جنگ ثبت شده‌اند.

او افزود: احساس می‌کنم نسبت به بسیاری از جنگ‌های معاصر، تصاویر کمتری از این جنگ ثبت شده است. هنوز نمی‌دانیم این تصاویر بعدها منتشر می‌شوند یا اساساً آرشیو گسترده‌ای از آن‌ها وجود دارد، اما در هر صورت ثبت تصویر در چنین موقعیتی ضروری است. این مستندساز درباره اهمیت عنصر هنری در مستند گفت: صرف ثبت یک اتفاق واقعی کافی نیست. مستند، علاوه بر واقعیت، به درام و روایت هم نیاز دارد. بسیاری از آثاری که امروز می‌بینیم فقط ثبت تصویر هستند و فاقد درام‌اند؛ به همین دلیل هم تأثیر عمیقی روی مخاطب نمی‌گذارند.

او ادامه داد: اتفاقاتی مثل آسیب دیدن بناهای تاریخی یا زندگی مردم در شرایط جنگی، ظرفیت ساخت مستندهای مهم و ماندگار را دارند، اما این مسئله نیازمند روایت و نگاه سینمایی است. جماعتی در پایان گفت: مهم‌ترین ویژگی یک مستند خوب این است که بتواند حس همذات‌پنداری ایجاد کند. وقتی مخاطب احساس کند آنچه روی پرده می‌بیند، نزدیک به تجربه واقعی زندگی خودش است، ارتباط عمیق‌تری با اثر برقرار می‌کند.



میزان

اقتباس سینمایی از یکی از پرفروش‌ترین مجموعه کتاب‌های جهان

استودیوی قرن بیستم در حال ساخت فیلمی بر اساس مجموعه کتاب‌های «ماجراجویی خود را انتخاب کن» است؛ مجموعه‌ای پرطرفدار که با روایت‌های چندشاخه و پایان‌های متفاوت، نسل‌های مختلفی از مخاطبان را با خود همراه کرده است. کارگردانی این پروژه را مت بتینلی-اولپین و تایلر ژیلت، سازندگان فیلم «آماده‌ای یا نه»، بر عهده دارند و فیلمنامه آن را تام بیسل، نویسنده سریال «اندور»، نوشته است.



سی‌نما

این مجموعه کتاب نخستین بار در سال ۱۹۷۹ با انتشار «غار زمان» نوشته ادوارد پیکارد آغاز شد. در این آثار، خواننده نقش قهرمان داستان را بر عهده دارد و با انتخاب‌های خود مسیر روایت را تغییر می‌دهد. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۸ بیش از ۱۸۴ جلد از این مجموعه توسط ۳۰ نویسنده منتشر شد. به گفته ناشران، «ماجراجویی خود را انتخاب کن» تاکنون بیش از ۲۵۰ میلیون نسخه فروش داشته و به ۳۸ زبان ترجمه شده است. این پروژه نخستین اقتباس سینمایی از این مجموعه محبوب به شمار می‌رود.

کلارک، شایعه دستمزد ۳۰۰ هزار دلاری را تکذیب کرد

امیلیا کلارک به شایعه‌ای قدیمی درباره دستمزد بازیگران سریال بازی تاج‌وتخت واکنش نشان داد. این بازیگر ۳۹ ساله که نقش دنریس تارگرین را در این مجموعه ایفا می‌کرد، در گفت‌وگو با ویرجینیا ادعای دریافت ۳۰۰ هزار دلار برای هر قسمت را رد کرد و گفت: «ما چنین درآمدی نداشتیم. اگر این‌طور بود چند پورشه داشتیم.»



سی‌نما

کلارک رقم واقعی دستمزد خود را اعلام نکرد، اما گفت از نظر مالی به اندازه‌ای امنیت داشته که بتواند وام مسکن والدینش را تسویه کند. او همچنین تأکید کرد بازیگران هیچ نقشی در تصمیم‌های خلاقانه سریال نداشتند و دیالوگ‌ها دقیقاً مطابق فیلمنامه اجرا می‌شد. این بازیگر بریتانیایی از خالقان سریال، دیوید بنیاف و دی. بی. وایس، به عنوان «نوابی دقیق و سختگیر» یاد کرد و گفت همواره تلاش داشته انگیزه‌ها و تصمیم‌های شخصیت دنریس را درک کند. کلارک همچنین حضور در «بازی تاج‌وتخت» را تجربه‌ای کم‌ظنیر و بسیار ویژه در مسیر حرفه‌ای خود توصیف کرد.